

بسم الله الرحمن الرحيم

فارغ التحصیلی زودتر از دانشگاه زندگی با عشق ورزی و خدمتگزاری بی‌ریا

مهدی بهادی نژاد*

خلاصه

خداوند جهان هستی را طبق نظامی که خود تدوین فرموده آفریده و آن را مدیریت می‌کند. این نظام آفرینش طوری است که چیزی رخ نمی‌دهد که طبق آن نباشد.

از زمان خلقت و پیدایش جهان هستی، حدود ۱۳/۸ میلیارد سال پیش تاکنون تغییر و تحولات بسیاری رخ داده است.

خداوند در خلقت انسان به او **اختیار** و بسیار توانایی‌های دیگر عطا کرده است.

زندگی انسان در روی کره زمین را می‌توان با تحصیل او در دانشگاه (زندگی) مقایسه کرد. انسان که دارای بدن جسمانی و بعد روحانی یا معنوی است می‌تواند با سرعتی که خود انتخاب می‌کند دوره‌ی دانشگاه زندگی را طی کرده و از آن فارغ‌التحصیل گردد.

با ارائه خدمت بی‌ریا به نیازمندترین موجودات (به‌ویژه انسان‌ها) همراه با عشق‌ورزی بی‌توقع و پرهیزگاری کامل انسان می‌تواند به لطف خداوند عروج معنوی نموده، به شادی عمیق دست یافته و زودتر از دانشگاه زندگی فارغ‌التحصیل گردد.

* استاد (بازنشسته) دانشگاه صنعتی شریف و عضو پیوسته فرهنگستان علوم

عظمت آفرینش

دانشمندان برآورد می کنند که جهان هستی حدود $13/8$ میلیارد (بیلیون $= 10^9$) سال پیش در لحظه ای که آن را مه بانگ (Big Bang) می نامند به وجود آمد.

قبل از این لحظه خدا بود و دیگر هیچ نبود. خدا اراده کرد که جهان را طبق نظامی که خود تدوین می فرماید خلق کند. او سپس از خود مایه گذاشته و نظام آفرینش را تدوین و جهان را به وجود آورد یا خلق کرد.

در جهانی که حدود $13/8$ میلیارد سال پیش به وجود آمد و جهانی که حالا می شناسیم تغییرات زیادی طبق نظام آفرینش رخ داده است.

در حال حاضر دانشمندان برآورد می کنند که حدود 2×10^{12} (۲ تریلیون) کهکشان، از جمله کهکشان راه شیری، 2×10^{23} ستاره در تمام کهکشان ها و 4×10^{11} ستاره در کهکشان راه شیری وجود دارند که طبق نظام آفرینش خداوندی تشکیل شده اند. قطر یک کره فرضی که بتواند تمام کهکشان ها را در بر گیرد حدود 10^{27} متر برآورد شده است.

راه شیری حدود $13/61$ میلیارد سال پیش و منظومه شمسی با یک خورشید و ۸ سیاره (از جمله زمین) و ۱۴۶ ماه حدود $4/5$ میلیارد سال پیش و طبق نظام آفرینش تشکیل شدند.

حیات روی زمین حدود $3/7$ میلیارد سال پیش و به صورت میکروسکوپی در اقیانوس ها طبق نظام آفرینش خداوندی به وجود آمد. باکتری ها روی خشکی حدود $3/22$ میلیارد سال پیش و ماهی های پرنده بین ۲۳۵ تا ۲۴۲ میلیون سال پیش سطح آب اقیانوس ها را ترک کردند. دایناسورها حدود ۱۸۰ میلیون سال پیش به وجود آمدند.

اولین انسان بین ۲۰۰ تا ۳۰۷ هزار سال پیش در آفریقا و اولین کشاورزی و شهرنشینی انسان حدود ۱۲ هزار سال پیش در شمال آفریقا و خاورمیانه طبق نظام آفرینش به وجود آمدند.

بدن انسان دارای ۳۰ تا ۴۰ تریلیون (10^{12}) سلول است. که حدود ۱۰۰ میلیارد آن ها در مغز و ۱۰۰ میلیارد در پوست هستند.

وزن متوسط سلول ها حدود ۱ نانو (10^{-9}) گرم، کوچکترین سلول بدن انسان اسپرم مرد بوده و بزرگترین سلول تخمک زن می باشد و تنها سلولی است که با چشم دیده می شود.

بدن انسان از عناصر زیر تشکیل شده است: ۶۳٪ هیدروژن، ۲۵/۵٪ اکسیژن، ۹/۵٪ کربن، ۱/۴٪ نیتروژن و بقیه ۰/۶٪ شامل ۲۰ عنصر دیگر می باشد.

تاکنون بیش از ۱۰۰ میلیارد انسان روی زمین زندگی کرده اند.

پیدایش و خلقت انسان

از زمان مه بانگ و آغاز جهان هستی حدود ۱۳/۸ میلیارد سال پیش تا پیدایش انسان حدود چند هزار سال پیش تغییر و تحولات بسیار زیادی (طبق نظام آفرینش) در جهان هستی به وقوع پیوسته است. پیدایش و خلقت انسان نسبتاً پدیده‌ی جدیدی می‌باشد.

خداوند انسان را طبق نظام آفرینشی که خود تدوین فرموده است، از دو قسمت کاملاً متفاوت: بدن جسمانی و مادی و روح یا بعد معنوی آفریده است. بدن جسمانی را خوب می‌شناسیم و از طریق پندار، گفتار و کردار خود با محیط اطرافمان، به‌ویژه انسان‌ها، تعامل داریم.

خداوند به انسان **اختیار**، توانایی تفکر و خلاقیت و ابتکار عطا کرده است و انسان توانسته است با استفاده از این توانایی‌های خدادادی به قسمت‌هایی از نظام آفرینش (لااقل آن قسمتی که مربوط به خود او می‌شود) آگاه شود. خداوند به‌خاطر عشق و لطفی که به انسان داشته قسمت‌هایی از نظام آفرینش خود را از طریق وحی به انسان‌های بسیار پیشرفته (از نظر معنوی) به نام پیامبر اطلاع داده است. بسیار بوده‌اند افراد پیشرفته در بعد معنوی که از طریق «دل» به قسمت‌هایی از این نظام آفرینش واقف گردند. از میان پیامبران می‌توان حضرت آدم (ع)، حضرت نوح (ع)، حضرت ابراهیم (ع)، حضرت موسی (ع)، حضرت عیسی (ع) و حضرت محمد (ص)، را نام برد و عرفای بزرگی را که از طریق دل به قسمت‌هایی از رموز خلقت پی بردند و نامشان را بسیار شنیده‌ایم می‌توان فردوسی، نظامی، مولانا، سعدی و حافظ را ذکر کرد.

فرضیه دانشگاه زندگی

زندگی انسان در روی کره زمین را می‌توان با تحصیل در یک دانشگاه تشبیه کرد (دانشگاه زندگی). در این دانشگاه هر واقعه‌ای که برای ما رخ می‌دهد حاوی یک یا چند درس بوده و افرادی که در زندگی ما هستند، چه آنان که مانند پدر، مادر، فرزند همسر و غیره برای چندین سال در زندگی ما هستند و چه آنان که برای مدت کوتاهی با آنان تعامل داریم و سایر موجودات و محیط زیست نقش معلم را برای ما ایفا کرده و فرصت آموختن و فراگرفتن مطالب مهمی را برای ما فراهم می‌کنند.

در حالی که در دانشگاه‌های معمولی هدف انتقال دانش به دانشجویان است به طوری که بتوانند از طریق مطالب فراگرفته در آینده برای خود و خانواده‌شان آسایش بیشتری فراهم کنند، در دانشگاه زندگی اینطور نیست. در دانشگاه‌های متداول ما در حقیقت مرفه‌تر زندگی کردن را به دانشجویان یاد می‌دهیم.

در دانشگاه زندگی هدف بالا رفتن آگاهی از حقیقت وجود خداست یعنی اینکه جز خدا چیز دیگری وجود ندارد و آنچه را که ما از طریق حواسمان یا از طریق دل از آن‌ها آگاه می‌شویم همه و همه تجلیات زیبا و منحصر به فردی از خداوند هستند که نقش خود را در نمایشنامه‌ی خلقت به خوبی ایفا می‌کنند.

در بالا اشاره شد که خداوند ما را طبق نظامی که خود تدوین فرموده از دو قسمت کاملاً متفاوت روح و بدن مادی یا جسمانی آفریده است. ما در حقیقت روح هستیم و بدن مادی به ما برای تعامل با دیگران (انسان‌ها و سایر موجودات) عطا شده است. با مقایسه با کامپیوترهای متداول بدن ما سخت افزار و روح ما نرم افزار می‌باشد.

دروس دانشگاه زندگی مربوط به نرم افزار وجودی ماست. کلیه فضایل اخلاقی یا ارزش‌های انسانی و کلیه رذایل اخلاقی در نرم افزار وجودی ما حفظ یا نگهداری می‌شوند. دروس دانشگاه زندگی طوری هستند که ما بتوانیم رذایل اخلاقی را از خود زدوده و کاملاً از آن‌ها مبرا گردیم و در عوض ارزش‌های انسانی یا فضایل اخلاقی را در خود پرورش داده و در نهایت از آن‌ها برخوردار گردیم.

فضایل اخلاقی مهم (به ترتیب الفبا) عبارتند از: ایمان، پذیرش، تقوی، تواضع، توکل، خدمت، رضامندی، سپاسگزاری، ستایش، صبر، صداقت، عشق، گذشت و نیایش.

رذایل اخلاقی مهم (به ترتیب الفبا): اسراف، بدبینی، حسادت، حرص، خودپرستی، دروغ، سرزنش، شهوت، ظلم، عجله، عصبانیت، غیبت، کینه و نومیدی.

در دانشگاه‌های معمولی دیده شده است که یک دانشجوی توانمند و علاقه‌مند به فارغ‌التحصیلی زودتر، در هر دوره تحصیلی دروس بیشتر یا سخت‌تری را بگذارند یا برنامه‌ها یا پروژه‌های مهمی را انجام دهد.

در دانشگاه زندگی نیز ما می‌توانیم سریع‌تر و در بازه‌های زمانی کوتاه‌تری رذایل اخلاقی را از خود زدوده و فضایل اخلاقی را در خود افزایش دهیم و از ارزش‌های انسانی بیشتری برخوردار گردیم. البته کار مهم‌تری را نیز می‌توانیم انجام دهیم و **آن ارائه موثرترین خدمت عاری از خودپرستی به نیازمندترین موجودات (به‌ویژه انسان‌ها) همراه با عشق‌ورزی بی‌ریاست.** فرصت‌های به‌وجود آمده برای زدودن رذایل، افزودن فضایل و ارائه خدمت همراه با عشق - ورزی ممکن است توسط بستگان ما، دوستانمان یا افراد و موقعیت‌های دیگری باشد. ما نباید درباره این فرصت‌ها شکایتی نماییم چون خود ما در زمان تعطیلات تابستانی و قبل از شروع دوره‌ی جدید دانشگاه زندگی آن‌ها را با کمک استاد راهنمای خود انتخاب کرده‌ایم. باید از افرادی که این فرصت‌ها را برای ما به‌وجود آورده‌اند تشکر کنیم. البته طبق نظام آفرینش اختیار داریم که برنامه‌ی تحصیلی خود را تغییر دهیم ولی باید همیشه برای این افراد خیر بخواهیم و از آنان (هرچند که برای ما سخت گرفته‌اند) کینه‌ای به دل نگیریم.

می‌پذیریم که با این فعالیت‌های خود عروج معنوی نموده به طوری که جز خدا چیزی نمی‌بینیم و نمی‌خواهیم و زودتر از دانشگاه زندگی فارغ‌التحصیل می‌شویم و نیاز به گذراندن دوره یا دوره‌های دیگری را در آن نداریم و به دانشگاه زندگی وارد نمی‌شویم مگر به عنوان مدرس یا استاد مدعو. توجه داریم که **پیامبران، امامان، قدیسان و عرفا، اساتید و مدرسین مدعو دانشگاه زندگی بوده‌اند.**

فرضیه شادی و زندگی

خداوند طبق نظامی که خود تدوین فرموده انسان را برای شاد زیستن خلق کرده است. انسان‌ها تماماً این موضوع را درک کرده و قبول دارند. ولی قاطبه‌ی مردم دنیا بر این باور بوده‌اند که ثروت و شهرت و قدرت برای آنان شادی می‌آفریند. این باور اشتباه عامل اصلی تمام مشکلاتی است که بشر امروزی با آن دست و پنجه نرم می‌کند و بدان گرفتار است: مشکلاتی نظیر تخریب محیط زیست در تمام ابعاد آن، کاهش و آلودگی منابع طبیعی، گرسنگی و فقر در بسیاری از نقاط دنیا، مشکلات و بی‌عدالتی‌های سیاسی و ظلم حاکمان در تعداد زیادی از کشورها نمونه‌هایی از نتایج این باور غلط انسان‌ها بوده است.

انسان می‌تواند باور و نگرش و اقدامات خود را در کسب شادی تغییر دهد و به مرور مشکلات یاد شده را برطرف کند. انسان می‌تواند با ارائه موثرترین خدمت بی‌ریا به نیازمندترین موجودات (به‌ویژه انسان‌ها) همراه با عشق‌ورزی بی‌توقع و پرهیزگاری کامل به شادی عمیق دست یابد و عروج معنوی نماید به طوری که جز خدا نبیند و نخواهد و همه کس و همه چیز را تجلی زیبا و منحصر به فرد خداوند بداند و زودتر از دانشگاه زندگی فارغ‌التحصیل گردد.

ما و سایر مسلمانان جهان در ادای فریضه‌ی دینی نماز شبانه روزی ۱۰ بار سوره حمد، اولین سوره‌ی قرآن مجید را قرائت می‌کنیم. در این سوره ابتدا با ذکر الْحَمْدُ لِلَّهِ ما خدا را سپاس می‌گوییم و از او به‌خاطر تمام نعماتش تشکر می‌کنیم. سپس با ذکر رَبِّ الْعَالَمِينَ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ او را ستایش می‌کنیم و سپس با ذکر إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ تعهد خود را نسبت به او بیان می‌کنیم و سپس با ذکر اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ نیایش می‌کنیم و از خدا تقاضا می‌کنیم که ما را به راه راست هدایت فرماید. این راه راست در حقیقت همان ارائه موثرترین خدمت بی‌ریا به نیازمندترین موجودات (به‌ویژه انسان‌ها) همراه عشق - ورزی بی‌توقع و پرهیزگاری کامل (یعنی مبرا بودن از تمام رذایل اخلاقی و برخوردار بودن از تمام فضایل اخلاقی یا ارزش‌های انسانی) می‌باشد.

با این سپاس و ستایش و نیایش امیدواریم به لطف خداوند به عمیق‌ترین عروج معنوی و شادی مفرط دست یابیم و زودتر از دانشگاه زندگی فارغ‌التحصیل شویم.

مراجع

در تهیه این مقاله از مطالب ارائه شده در شادیکده پرورش ارزش‌های انسانی (www.shadikadeh.com) به‌ویژه از کتاب‌های دانشگاه زندگی، شادی و زندگی، اخلاق مهندسی و مهندسی اخلاق، شادیسیم، و شادی در عشق و خدمت استفاده شده است.